



((۲))

تقدیر و بحث بر کتاب دستور زبان فارسی
تألیف استاد دکتر پرویز خانلری
(متمم)

نویسنده محترم، در بخش دوم کتاب، زیر عنوان «متمم اسم»، پس از تعریف مضاف‌الیه و نقش آن در ترکیب جمله به صورت «متمم اسم»، اینگونه نتیجه‌گیری کرده‌اند که اسم فقط یا با انواع متمم می‌پذیرد و آن مضاف‌الیه است. در اینجا دو نکته در خور یادآوری است:

نخست آنکه: در ترکیب‌های اضافی، همیشه مضاف الیه، متمم اسم (مضاف) نیست و اضافه مشابه به - به مشبه، از این قاعده مستثنی است. یعنی مضاف، متمم است برای مضاف الیه. (رجوع شود به اضافه دکتر محمد معین ص)

به بیان دیگر اضافه تشبیهی بر دو گونه است:
اضافه مشبه به، به مشبه مانند: لب لعل - ابروی کمان
اضافه مشبه به، به مشبه مانند: لعل لب - کمان ابرو و در هر حال، مشبه به، تمام کننده معنی مشبه است؛ چه در حال مضاف باشد چه در محل مضاف الیه.

نداد، لعل لبش بوسه‌ای به صد تلبیس نیافت کام، دل من از او به صد الحاح،
سرما فرو نیاید، به کمان ابروی کس که درون گوشه گیران، ز چمن فراغ دارد
دوم آنکه: متمم اسم، به مضاف‌الیه (و در يك مورد مضاف) منحصر نیست. مثلاً هنگامی که می‌گوییم: کاسه‌ای از سفال، کلمه سفال، نه در قالب مضاف‌الیه است و نه صفت بلکه نوعی متمم است که چون به همراه حرف اضافه آمده است آنرا «متمم با واسطه نامیم» این متمم، نوعی بیان جنس میکند و آنرا به دو صورت میتوان تأویل کرد: یکی اضافه بیانی، یعنی کاسه سفال و دیگری صفت نسبی یعنی کاسه سفالین.

* آقای مصطفی کامران از دبیران صاحب‌نظر و زرف‌نگر

۱- اصطلاح «متمم با واسطه» را اول بار از آقای دکتر محمد خزائلی شنیده‌ام

همچنین ، استاد در بخش نخست کتاب ، زیر عنوان «متمم فعل» ، چنین تعریف کرده‌اند : «متمم فعل ، يك يا چند كلمه يا عبارتی است كه با یکی از حروف اضافه بجملة می‌پیوندد و توضیحی به مفهوم فعل ، می‌افزاید» سپس ، برای توضیح بیشتر ، مطالبی ، توأم با مثالهای متعدد ، بدان افزوده‌اند كه چون در موضوع بحث ماست ، باختصار ، به نقل آن می‌پردازیم :

دهر فعل چه لازم ، چه متعدی ، ممكن است دارای متمم باشد .

ايرج ، به سرعت ، از مدرسه ، به خانه آمد .
مثال برای فعل لازم : ايرج ، برای استراحت ، در پنج دقیقه ، با دوچرخه ، از مدرسه به خانه آمد

ايرج ، از كتابخانه ، كتاب را ، در يك دقیقه ، به كلاس آورد
مثال برای فعل متعدی : ايرج ، از كتابخانه ، كتاب را ، با شتاب ، برای مطالعه ، بكلاس آورد

متمم ، يك معنی اضافی به جمله می‌بخشد . این معنی اضافی ، گاهی زمان وقوع فعل است ، گاهی مکان ، گاهی غرض و منظور ، گاهی ابزار و وسیله ، گاهی چگونگی .
در جمله‌های سابق ، كلمات مدرسه و كتابخانه و كلاس متمم مكاني است .

كلمات يك دقیقه و پنج دقیقه ، متمم زمانی است .

كلمه شتاب ، متمم چگونگی است .

كلمات استراحت و مطالعه ، متمم غرض و منظور است .

كلمه دوچرخه ، متممی است كه وسیله و ابزار را بیان می‌كند .

در همه جمله‌ها می‌بینید كه همیشه پیش از متمم یکی از حروف اضافه قرار دارد : از ، به ،

با ، در ، برای ، پس نشانه متمم آن است كه پیش از آن حرف اضافه‌ای آمده باشد

در این مورد هم چند نکته برای خوانندگان ، به ویژه اساتدان و دبیران ادبیات فارسی ، مبهم

است :

يكی آنكه این نوع متمم مختص فعل نیست و كلمات دیگر مانند اسم ، صفت ، صوت (شبه

جملة) نیز اینگونه متمم می‌پذیرد مانند : (كاسه‌ای از سفال - مست از باده غرور - خوشا به حال تو)

دیگر آنكه كلمات دیگری مانند : مفعول بواسطه - مفعول با واسطه كه میتوان آنرا متمم با

واسطه یا متمم مفعولی هم نامید - قید - گروه قیدی نیز در يك به گونه‌ای معنی فعل را تمام

می‌كند و زیر عنوان متمم فعل تنها به متمم با واسطه نمیتوان اکتفا كرد و تعریف مندرج در كتاب

جامع و مانع نیست .

بنابراین ، برای وجه تمایز بیشتر ، بین این نوع متمم و دیگر متمم‌ها و نتیجه برای «سهولت

تعلیم و تعلم ، به ویژه در كتابهای «درسی» هرگاه اینگونه متمم ، متمم با واسطه نامیده میشد ، ابهام

كثیری داشت و از صراحت بیشتری برخوردار بود . همچنین اگر تعریف ، جامع و تركلی ترمیمی بود

خواننده میتواندست ، این گونه متمم را در جمله‌های مختلف ، زودتر بشناسد و بامشکلی کمتر روبرو باشد . و اما تعریف جامع تر:

متمم با واسطه: کلمه، یا کلماتی است که بایکدی از حروف اضافه ، معنی اسم - فعل - شبه فعل (صوت) صفت - قید - را به گونه‌ای تمام میکند .

ضمناً در این کتاب ، از مفعول با واسطه ، بحثی به میان نیامده است و برای خواننده ، روشن نیست که آیا مفعول با واسطه - چون از لحاظ ساختمان ، با متمم با واسطه یکسان است - در شمار متمم‌ها منظور شده یا بطور کلی از نظر نویسنده مردود است و کلمه به همراه حرفی از حروف اضافه ، هیچگاه ، در محل مفعول نمی‌نشیند و همه پیشینیان ، به سبب بی اطلاعی ، دچار اشتباه شده‌اند زیرا بین مثالهای ذکر شده زیر عنوان «متمم فعل» ، جمله‌ای که دارای متمم مفعولی باشد دیده نمیشود ، به ویژه تأکید شده : «متمم يك معنی اضافی به جمله می‌بخشد . این معنی اضافی گاهی زمان وقوع فعل است ، گاهی مکان ، گاهی غرض و منظور ، گاهی ابزار و وسیله ، گاهی چگونگی ، به بیان دیگر متمم ، مفید معنی نوهی قید است . و در صورت مردود بودن ، در جمله «فربدون ، از باغ حسن دیدن کرد» ، که در صفحه ۹۹ کتاب به عنوان شاهد مثال آمده است ، کلمه باغ جز متمم مفعولی چه نوع متممی میتواند باشد ؟ چون با تعریف مفعول ، مندرج در صفحه ۶۳ همین کتاب مطابقت دارد . «در دستور پنج استاد» که سالهای متمادی در دوره اول دبیرستان تدریس میشد و اکنون نیز در برخی دانشکده‌ها و مدارس عالی تدریس میشود و بالنتیجه طبقه تحصیل کرده ، خواه نا خواه ، از این اصطلاح مفهومی در ذهن دارند مفعول با واسطه اینگونه تعریف شده :

«مفعول بواسطه یا (غیرمستقیم) آنستکه معنی فعل را بواسطه حرفی از حروف اضافه تمام کند . از بدان پرهیز و با نیکان در آمیز» دستور پنج استاد صفحه ۴۵ و این نزدیک به تعریفی است ، که در کتاب مورد بحث ما ، برای متمم آمده .

اینکه کدام تقسیم بندی ، یا نام گذاری ، درست است مطرح نیست ولی مسکوت گذاردن آن ، تولید ابهام میکند .

باید گفت که متمم با واسطه از لحاظ ساختمان ، همانند مفعول با واسطه است ، ولی معنای مفعولی ندارد . و به ویژه در جمله‌های فعلی ، مفید معنی نسوعی قید است مگر آنکه ، مفعول با واسطه را هم ، در شمار متمم‌ها در آوریم و آنرا متمم مفعولی گوئیم در هر صورت برای تشخیص ، باید به معنی رجوع کرد .

منابع:

- ۱ - دستور زبان فارسی برای دوره اول دبیرستان تألیف دکتر پرویز خانلری
- ۲ - «اضافه» تألیف دکتر محمد معین
- ۳ - دستور پنج استاد .
- ۴ - دستور زبان فارسی تألیف دکتر - ع - خیاپور
- ۵ - دستور امروز تألیف دکتر فرشید ورد